

میدون و سوفیا

ریال ساکشن شد!



✚ پوریا عالمی

● دلار طوری شده که ریال احساس تجاوز دارد. ریال بدبخت که هیچی، خود ما طوری زیر بار زندگی زاییدیم که مسئولیتش را حتی دولت هم برعهده نمی‌گیرد.

سوفیا به من می‌گوید: میدون دوم! بـا این اوضاع اقتصادی چطوری زندگی کنیم؟

من به سوفیا می‌گویم: هزینه زندگی که هیچی، هزینه مرگ و قبر و مراسم و حلوا و خرما هم طوری شده که آدمیزاد در وضعیت اره است. بروی جلو به سمت زندگی هزینه است، برگردی عقب به سمت مرگ هم هزینه است. ریال مثل بابای سوفیاست و اضافه‌وزن دارد. بابای سوفیا جراحی کرد و چربی‌اش را برداشتند، ریال هم باید برود اتاق عمل و ساکشن کند و چهارتا صفرش را حذف کنند. البته مسئله ریال، مسئله اسمی نیست؛ یعنی رفتار دولت با اقتصاد، مثل اینهاست که روی پراید آرم بنز می‌چسانند و فکر می‌کنند همه چیز حل است! درواقع ریال یک طوری شده که فروغونی است که اگر روش رزم پراید چپسانی هم احساس پیروزی می‌کنی.

سوفیا می‌گوید: میدون دوم، تو چرا این‌قدر احساس افسردگی داری؟ سخنرانی رئیس‌جمهوری را ندیدی؟ می‌گویم: چرا. سخنرانی خیلی خوب بود، ولی ... سوفیا می‌گوید: تو هم خیلی حساسی. بعد دوتایی‌آه می‌کشیم و دندان‌های هم را می‌شماریم.

زایوه دید

منتخبان شوراها بارأی مردم چه می‌کنند؟

امید شاهد . مدرس دانشگاه

در چندروز اخیر بحث وقوع فساد در چند حوزه شورا‌های شهر نقل محافل بوده است. پیش‌تر نیز ارتکاب جرم و تخلف در شورای چند شهر رسانه‌ای شده بود. در خبرها خواندیم: «تعدادی از شهروندان بروجردی در اعتراض به عملکرد شورای این شهر، در شورا را تخته کردند». همچنین (بیسیم شهپور) رسانه‌ها از قول سخنگوی وزارت کشور «انحلال هشت شورا و سلب عضویت ۲۸۳ عضو شرای شهر در سراسر کشور» را تیت‌ر زدند. وقت آن است که بزرگان قوم و دلسوزان امر، کلاه خود را قاضی کنند و علل وقوع این حجم نسبتا بالا از ناکارآمدی، تخلف و بدتر از همه فساد و بداخلاقی را ریشه‌یابی و علاج کنند. از دید نگارنده و بسیاری از ناظران مسائل اجتماعی، دلیل عمده این اتفاقات نامبارک به روند و رویه غلط انتخاب اعضای شوراها برمی‌گردد. شورش‌خانه باید گفت سال‌هاست حاکمیت مال و ثروت در وهله نخست و سپس قدرت نفوذ، ظاهر بزرگ‌کرده و دیگر اقدامات پوپولیستی و نقش آنها در مراحل مختلف رأی‌آوری افراد، عرصه را بر شایسته‌سالاری و انتخاب اصلح به‌شدت تنگ کرده است. نگاهی به حجم بالای تبلیغات افواکننده و عوام‌فریبانه در ایام انتخابات گواهی روشن بر این مدعاست. چه بسیار نخبگان دانشگاهی، متخصصان و برجستگان علمی، از جمله، مهندسان، معماران و شهرسازان کاردان و کارشناس در گردونه معیوب گزینش شوراها، مغلوب همین عناصر رای‌آور شده‌اند. درک این موضوع چندان سخت نیست که منتخبی که ده‌ها و بلکه صدها میلیون تومان برای انتخابات هزینه کرده، اولویت نخستش پس از رأی‌آوری برگرداندن مبالغ هنگفت هزینه‌کرد خویش خواهد بود و از این بزرگوار نمی‌توان انتظار معجزه و خدمت‌گزاری فی‌سبیل‌الله داشت. این رویکرد غلط سال‌هاست بر بسیاری از شوراها (نه همه) حاکم است و می‌طلبد که سران دست‌اندرکار و قانون‌گذاران محترم، دلسوزانه برای تغییر این روند فسادخیز و نابودگر تدبیری عاجل ببیندیش.

دور دنیا

۳۰ ساعت تابوت‌خوابی!

یکی دیگر از چالش‌های عجیب‌وغریب این روزگار وانفسا که این هفته به رسانه‌های غربی راه پیدا کرده، چالش تابوت‌خوابی است. این چالش را البته یک پارک تفریحات در سنت لوئیس ایالات متحده راه انداخته و ظاهرا مربوط به روزهای جشن هالووین است که عمدتا در آمریکا برای تفریح با عناصر داستان‌های ترسناک برگزار می‌شود. پارک تفریحات Six Flags با «شنش پرچم» در سنت لوئیس اعلام کرده است که برنامه‌ای چالشی برای روزهای ۱۳ و ۱۴ اکتبر در نظر گرفته و جایزه‌ای ۳۰۰ دلاری همراه با دو فصل بلیت ورودی رایگان برای این کار تعیین کرده است. «چالش ۳۰ ساعت تابوت‌خوابی» همچنان که از نامش پیداست، برای داوطلبانی در نظر گرفته شده است که حاضر باشند ۳۰ ساعت را در تابوتی به ابعاد دو فوت در هفت فوت (۶۱ در ۲۱۳ سانتی‌متر) سپری کنند. فرد تابوت‌خواب اجازه دارد در هر ساعت شش دقیقه از تابوت خارج شود و به دستنوبی برود. البته این جایزه فقط به یک نفر تعلق می‌گیرد و فرد برنده می‌تواند تابوت را هم برای خود کند دارد!

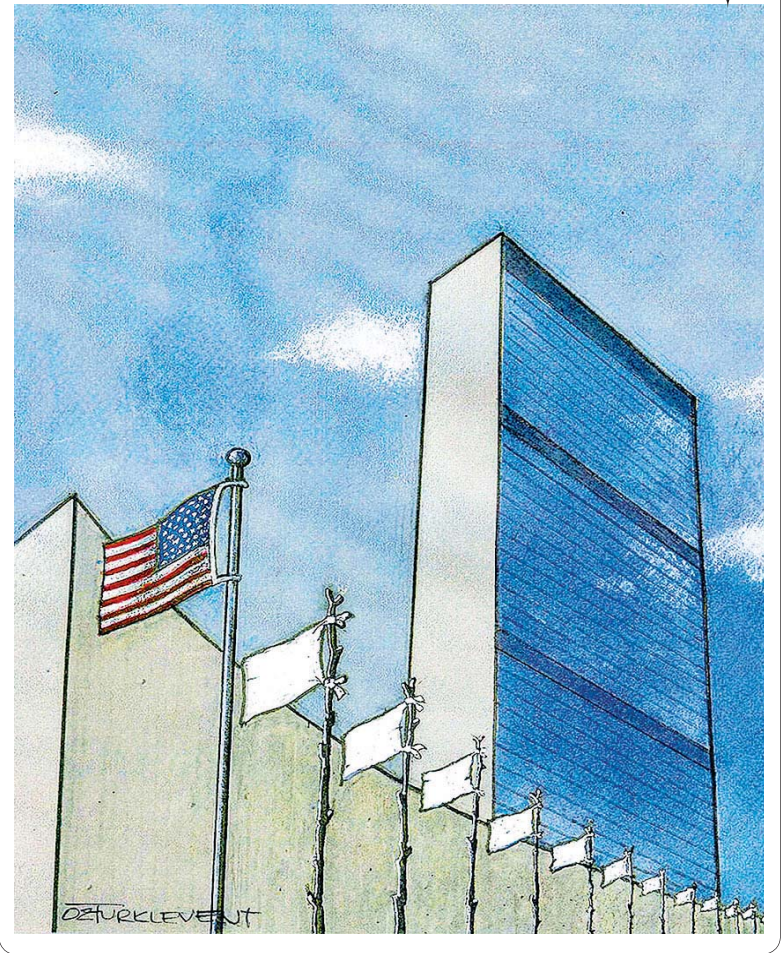
شترت روزنامه

پنجشنبه ۵ مهر ۱۳۹۷ = ۱۷ محرم ۱۴۴۰ = ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۸ = سال شانزدهم = شماره ۳۲۵۲ = ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۱:۵۵ = اذان مغرب ۱۸:۱۲ = اذان صبح فردا ۴:۳۲ = طلوع آفتاب ۵:۵۷

روزنفرها

کارتون خواب

✚ احمث اوز تورک لونت



گزارش فردا

درخواست یونسکو: آموزش مدارا

خبرگزاری آسوشیتدپرس این هفته گفت‌وگویی داشته است با اودری آزوله، دبیرکل سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که در آن از مبارزه ضروری مدارس و آموزش‌وپرورش با افراط‌گرایی سخن گفته است. خانم آزوله فرانسوس مراکش‌تبار، دختر مشاور فعلی پادشاه مراکش است و خود در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ وزیر فرهنگ فرانسه بوده و از سال ۲۰۱۷ دبیرکل سازمان یونسکو شده است. در این مصاحبه مطبوعاتی، رئیس سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد گفته است که مدارس میدان مبارزه با نژادپرستی و خشونت افراطی هستند و او قصد دارد این هفته در گردهمایی سالانه رهبران جهان در مقر سازمان ملل در نیویورک، آنها را به سرمایه‌گذاری بیشتر برای آموزش مدارا به کودکان و نوجوانان ترغیب کند. آزوله در این مصاحبه که در پاریس و پیش از برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد انجام شد، گفت: «هیچ‌کس یک افراط‌گرای خشونت‌طلب به‌دنیا نمی‌آید. آموزش‌وپرورش بهترین سنگر مقابله با تبعیض و نژادپرستی است». مؤسسه تحت نظارت آزوله اولین زیرمجموعه سازمان ملل متحد بود که فلسطین را به‌عنوان یک عضو به رسمیت شناخت و او نیز از زمان برعهده‌گرفتن مدیریت این سازمان از سال گذشته همواره سعی در برطرف‌کردن مشکلات آن منطقه در حوزه خود داشته است. او قرار است امسال در مقر سازمان ملل میزبان نشستی برای مبارزه با نژادپرستی و سایر انواع تبعیض از طریق آموزش در مورد تنوع ادیان و فرهنگ‌ها باشد. به گفته خانم آزوله: «این‌گونه نشست‌ها سبب می‌شود تا کشورهای عضو آموزش‌وپرورش را به‌منابه اهرمی برای پیشگیری از نژادپرستی و تبعیض به کار گیرند و با بسط آن به جلوگیری از افراط‌گرایی و خشونت کمک کنند». یونسکو دستورالعمل‌هایی برای معلمان در کشورهای مختلف آماده کرده است که به‌ویژه با هدف



✚ محمدرضا اصلانی

از سال‌های ۴۰ و ۵۰، سوزن‌دوزی بلوچی را به تقریب می‌شناختم و آوازه مهتاب را و دخترانش را -شاگردانش را- که به چه ظرافتی اشرافی، نقش می‌دوختند بر پارچه‌های دستباف یزدی و نائینی و کارزونی و ما با سلیقه جمع‌آوری و حامی مهندس کاظمی و ابراهیمیان و زینت‌سرا - که نیش ویلا بود- طاقه‌طاقه این نازنین سوزن‌دوزی‌ها را می‌گرفتم برای بی‌پروا بریدن در طراحی و دوخت لباس‌های سریال سمک عیار که با الگوهای نگارگری مکتب هرات، ملک جهان خرابی طراحی می‌کرد و اکنون چه افسوس می‌خورم بر بریدن و قطعه‌کردن آن طاقه‌های درخشان که برخی فقط با نخ ابریشم طلایی بود. انکار وازرلی، خوش‌سلیقه‌تر شده بود و بامعناتر.

چه حیف آن همه از بلوچستان گفتند و هیچ نکردند. و مهتاب و یارانش همه مهجور ماندند به بهانه‌های واهی، و بلوچستان بی‌آب و بی‌آب‌تر شد، و بی‌رنگ‌تر. آن نقش‌های خوش به‌هم‌یافته ارکی‌تایپ - کهن‌الگوی - به ظرافت و حوصله صبور و دقیق بلوچی دیده نشد. مهتاب فوت کرد بی‌صدا و هامون خشک شد بی‌صداتر و در تعطیل‌شدن این مثنوی، مثنوی بی‌رنگ‌رووی ماشینی سوزن‌دوزی‌هایی سردستی از پاکستان، سکه رایج شد به نام سوزن‌دوزی بلوچ که بلوچی هم بود، اما به ماشین‌های تکتیری، فراخ‌دوخت‌های آشفته‌نقش که شبه‌سوزن‌دوزی‌اند. و این‌همه در خیل بدلیجات که در چند دهه اخیر - بسیار نمداین- اکنون بر سر هر کوی‌وبرزن به راه است. باری اما، اتفاقی افتاده است. زینب، برادرزاده مهتاب، با همت جوانی که نه بلوچ بود و نه سوزن‌دوز که همه عشقش سینما بود و ساخت مستند، شاید به همین حرفه جوینده، راه به بلوچستان برد و در همین جست‌وجو به دنبال اصالت و معنای طرح و رنگ‌ها، به این باتوی کوشا رسید. کارشان سخت بود. انکار این دست‌ها دیگر از کار افتاده بودند و این حوصله‌ها و انگیزه‌ها نیز. این دست‌ها دیگر نمی‌دانستند



✚ زهرا عمرانی

در روزی که به احترام «صلح» نام‌گذاری شده، مردی در جایی از «جنگ‌افروزی» می‌گوید و زنی در مقابل او به اعتراض بر می‌خیزد و این‌گونه مدنا که با پشتکار و خستگی‌ناپذیری زندگی‌اش را گذاشته تا با جنگ و خشونت مبارزه کند، قصه خود را بر من و این ستون تحمیل می‌کند. مدنا بنجامین زنی است ریزندام که بی‌پاکانه تلاش کرد تا در حضور مسئول وزارت خارجه آمریکا در نشستی که درباره برنامه موشکی ایران برگزار شده بود، اعتراضش را نسبت به همه جنگ‌طلبی‌های گذشته و اکنون فریاد بزند. او خطاب به برابان هوک، بانگ برآورد: «فکر می‌کنید این تحریم‌ها به حکومت ایران آسیب می‌زند یا به مردم ایران؟ شک نکنید به مردم ایران، شما در حال پرونده‌سازی برای جنگ با ایران هستید، نتیجه جنگ عراق چقدر برائتان رضایت‌بخش بود که حالا دوباره دارید دقیقا همان کار را می‌کنید؟ بیایید واقع‌بین باشیم. جنگ بیشتری نمی‌خواهیم، ما صلح می‌خواهیم».

مدنا که همین روزها با به ۶۷سالگی گذاشته است، همچنان مانند جوانی‌اش پرشور و شور است. زاده و بزرگ‌شده نیویورک است. در سال اول دانشگاه تصمیم گرفت نامش را از سوزی به مدنا تغییر دهد. مدنا، زنی از اسطوره‌های یونانی است که از برترین ساحران جهان باستان بوده است. در همان سال به گروه «دانشجویان برای جامعه دموکراتیک» به پیوست. در سن تمام نشده، دانشگاه را رها کرد و در همان جـا بماند و زندگی‌اش را تغییر دهد، دکترایش را در رشته جامعه‌شناسی گرفت و پایان‌نامه‌اش را درباره «جنبش بایکوت رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی» دربار

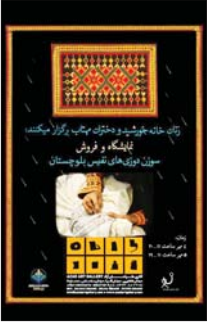
اتفاق

زیارت دستانی چنین زیبا

این تلاش به رسیدن، دارد زمینه می‌شود برای خلاقیت واریاسیون‌دادن به بافت، نقش و رنگ و نیز به سوی کاربرد در زندگی روزمره، نه به‌مثابه امر صنعتی و فقط مصرفی که به‌منابه حضور سلیقه جمعی در جامعه روزمره. طراحی‌ها و دستاوردهایی که در کاربرد این دوخته‌ها در لباس روز - در دهه ۳۰ تا ۵۰- با سلیقه کیوان خسروانی و مهرمنیر جهانبانی و در گرافیک با سلیقه مهندس کاظمی و در نقاشی مدرن حتی در کارهای ضایبور و دیگران، به زندگی و هنر مدرن می‌آورد، نه‌فقط یک تزئین و خوش‌آمدن نوستالژیک که یک سلیقه شاخص در حیات اجتماعی بود، به‌منابه امر ملی.

اکنون دیگراره، با کار و پشتکار این دو نفر در سرزمین مادری سوزن‌دوزی‌ها، این نقش‌های هستیانه، این گردونه‌های خورشیدی به‌شدت هندسی‌شده خورشیدی و آب و گیاه و زیندگان طبیعت، که مجموع خود نه وجودهای طبیعی که هیئت تاریخ و اسطوره‌اند، وقتی در لباس‌های اکنون، کاربرد می‌یابند، درواقع راه‌رفتن حضور هستی ابدی یک ملت است در یک فرد. در اشیا و هنر زمانه نیز و این کار کمی نیست.

اکنون کارگاه دختران مهتاب در قاسم‌آبادبمپور، یک مرکز است. خودجوش با یک‌رانندگی آماری حدود ۲۰۰ زن و دختر. آنها فقط سوزن‌دوزی نمی‌کنند - به دستمزدهایی چه کم - که آنها، با وجود ندیدن‌ها و مشکل‌تراش‌هایی در هیئت انواع عذرها، شوق و ذهن باستانی و حاضر-اکنون را، عمیق و اندیشه‌مند را، بر می‌نمایند، که شداید تاریخ را، و هم‌اکنون را، به شادی حیرت‌آور رنگ‌ها بدل می‌کنند، سرفراز و مغرور.



زنائی که من دیده‌ام

اعتراض کنم یا سکوت؟

نوشت. شاید آفریقا اولین نقطه اشتراکی بود که مدنا و کوین را به هم جذب کرد. اکنون آنها صاحب دو دختر هستند و البته دو فرزند دیگرشان، سازمان‌های غیردولتی معتبری هستند که مدنا و کوین با هم بنیان نهاده‌اند: اولی «گلوبال اکسچنج» با هدف توسعه حقوق بشر و تجارت عادلانه و دیگری «پینک» به دنبال پایان‌دادن به شعله جنگ‌هایی که آمریکا در جهان برمی‌افروزد. مدنا این روزها همه انرژی‌اش را صرف تلاش برای پایان‌دادن به جنگ‌های فعلی و پیشگیری از جنگ‌های احتمالی می‌کند. هرچند به او لقب «یکی از رهبران جنبش صلح» را داده‌اند و اغلب فعالیت‌هایش همکاری با سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی درباره حمایت از صلح و شکل‌دهی کمپین‌های اعتراضی نسبت به جنگ است، اما حرکت‌های فردی‌اش در به‌هم‌ریختن سخنرانی‌های رسمی، نیز بسیار جلب توجه کرده است. بعد از اعتراض هفته گذشته او به برابان هوک، رئیس گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا، در مصاحبه‌ای تلویزیونی مجری از مدنا پرسید: «موارد بسیاری پیش آمده که شما در کنار سیاست‌مدار قدرتمندی قرار گرفته‌اید و بی‌پاکانه و با تمام وجود نسبت به او اعتراض کرده‌اید، معمولا در این مواقع چه احساسی دارید؟» پاسخ مدنا برخلاف تصور پر از تردید بود و البته امید. «واقعیتی این است که معمولا این کار را با ترس و دلهره انجام می‌دهم. تتم عرق می‌کند، از درون می‌لرزم و مدام از خودم می‌پرسم که کدام بهتر است، اینکه اعتراض کنم یا سکوت؟ و آخر به خودم نهیب می‌زنم که باید از حقیقت دفاع کرد... با خود می‌گویم کاش افراد بیشتری بودند که بر این ترس درونی غلبه می‌کردند و در برابر خشونت و ظلم سر برمی‌آوردند، چراکه ما با سکوت در برابر مجرمان زندگی را برایشان خیلی راحت کرده‌ایم و اما آنها به‌راحتی زندگی دیگران را به آشوب می‌کشند».



کوین داناها، هرچند اکنون دکترای جامعه‌شناسی دارد و در مخالفت با «جهانی‌شدن» نامی آشناست، اما او هم مانند مدنا، جوانی پرهیجان و متواضعانه‌ای داشته است. در شرق آمریکا در خانواده‌ای مهاجر از ایرلند، به دنیا آمده و در دوره دبیرستان و دانشگاه از طریق رانندگی کامیون و بنایسی امرار معاش می‌کرد. شب‌ها هم به‌عنوان نوازنده گیتار با گروهی در کافه‌ها و بارها می‌نواختند. در سفری به غرب آمریکا، تصمیم گرفت همان‌جا بماند و زندگی‌اش را تغییر دهد، دکترایش را در رشته جامعه‌شناسی گرفت و پایان‌نامه‌اش را درباره «جنبش بایکوت رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی» دربار

پیشخوان



یعنی «اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران» بررسی و با دو سناریو درباره رشد اقتصادی سال ۱۳۹۷ دراین‌باره تحلیل شده است. مقاله اعتیاد زنان، انتقام از جامعه مردسالار، گفت‌وگویی با رؤیا نوری و مناسبات درونی و بیرونی سازمان مجاهدین؛ خاطرات سیاسی بهمن بازگانی و گفت‌وگو با امیروهوشنگ افتخاری‌راد از دیگر مطالب خواندنی می‌تواند باشد.

شماره ۱۱۱ در ۱۲۸ صفحه با مدیرمسئولی لطف‌الله میثمی منتشر شده است.

شماره جدید دوماهنامه چشم‌انداز ایران منتشر شد. این بار پرونده‌ای در دفاع از حق آموزش همگانی تهیه شده که علاوه‌بر گفت‌وگو با مرتضی حاجی، وزیر پیشین آموزش‌وپرورش، مقالاتی نظیر «درس زیردست‌های نامرئی»، «سایه‌روشن‌های حق آموزش همگانی» و «مکاتب دهکده تا احیای مکتب‌خانه» از جمله این مطالب است. در این شماره یادی از مجموعه‌ای از افراد بزرگی که به‌تازگی درگذشته‌اند به چاپ رسیده است. سخنرانی لطف‌الله میثمی در مراسم خاک‌سپاری مرحوم ناصر اشکبانی، دل‌نوشته‌ای به مناسبت درگذشت محمد بسته‌نکار از حمیده لامعی‌رشتی (نوحی)، در سوگ مهندس بهرام نمازی و سخنان حسین موسویان در سوگو فرزین مخبر از جمله این مطالب است. مقاله «هنوز بر همان عهدیم» درباره نسبت آرمان‌خواهی و اصلاح‌طلبی در کنار گفت‌وگویی با محمد کیانوش‌راد که با تیتَر «خوزستان؛ فردا دیر است» و مقاله «آیا جنگ ایران و عراق با دیپلماسی اجتناب‌پذیر بود؟» از دیگر مطالب چشم‌انداز